

جایگاه اعتماد میان حاکمان و مردم در فرایند توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)

علی خالقی

مقدمه:

توسعه سیاسی از جمله موضوعاتی است که از ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. صرف نظر از مباحثی که درباره ضرورت توسعه سیاسی و تقدم یا تأخر آن بر توسعه اقتصادی صورت گرفته، عوامل مختلفی را می توان در جهت دست یافتن به توسعه سیاسی در جوامع اسلامی مورد ارزیابی قرار داد. در نوشته حاضر با استفاده از دیدگاه های امام علی (ع) در نهج البلاغه، «برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم» را به عنوان یک عامل مهم در جهت دست یافتن به توسعه سیاسی مورد بررسی قرار داده ایم. توسعه سیاسی بیش از هر چیز، به امنیت و آرامش در حوزه سیاسی نیازمند است و چنین امنیت و آرامشی تنها در سایه برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم حاصل می شود. بنابر این، باید راه کارهایی را بجوئیم که به ایجاد اعتماد میان آنها بیانجامد.

اهمیت و ضرورت امنیت و آرامش در حوزه سیاسی در فرایند توسعه سیاسی هر گونه حرکتی در جهت توسعه، از جمله توسعه سیاسی، بیش از هر چیز نیازمند

امنیت و آرامش سیاسی است. کشوری که حوزه سیاست در آن ناآرام باشد، به اجبار بیشترین توان خود را برای ایجاد آرامش و ثبات سیاسی صرف خواهد نمود و جامعه به معرکه تحلیل نیروهای انسانی و غیر انسانی آن کشور تبدیل خواهد شد و طبیعی است که در چنین کشوری، نمی توان به توسعه سیاسی و اقتصادی فکر کرد.

از این روست که وجود «آشوب های داخلی، فعالیت های زیرزمینی و حملات مسلحانه، فساد سیاسی، پراکندگی احزاب سیاسی، سرکوبی ناراضیان، سوء قصدهای سیاسی، سیاسی شدن نیروهای مسلح، انتخابات تقلبی و عدم رعایت قوانین و مقررات، بت شدن فرمانروایان، فساد گسترده و سوء مدیریت»^(۱) از جمله شاخص های منفی در جهت توسعه سیاسی شناخته می شوند.

امام علی (ع) در فرازهای مختلفی از نهج البلاغه، بر اهمیت و ضرورت امنیت و آرامش در حوزه سیاسی جامعه اسلامی تأکید نموده است که به برخی از آنها اشاره می نمایم:

۱- امام علی (ع)، ایجاد امنیت و آرامش سیاسی را تا آن جا ضروری می داند که، وجود حکومت را اگر چه جائز باشد، لازم دانسته، می فرماید: «مردم چاره ای ندارند جز این که زمامداری داشته باشند، چه خوب و چه بد تا در حکومت او، مؤمن آزادانه عمل کند و کافر نیز بهره مند گردد و با قدرت او، بودجه عمومی جمع آوری و با دشمن پیکار شود. امنیت راهها تضمین گردد و حق ضعیف از قوی گرفته شود تا خوبان به راحتی زندگی کنند و مردم از شر فاجران آسوده گردند».^(۲)

۲- در قاموس سیاسی امام علی (ع)، ایجاد امنیت و آرامش تا اندازه ای مهم بود که در بحرانی ترین لحظات حیات سیاسی خود، از آن غافل نماند. بنابراین، زمانی که افراد بی درد و آشوب طلبی چون ابوسفیان، خلافت خلیفه اول را بر نمی تابیدند و کوشش می کردند مدینه را دچار آشوب سازند، امام مردم را به دوری از هرگونه آشوب و هرج و مرج فرا خوانده و می فرمود:

«ای مردم! از گرداب های بلا و فتنه باکشتی های نجات بیرون شوید و از نازیدن به تبار و نفرات خویش دوری کنید و از بزرگی فروختن پیرهیزید که هر کس با یآوری برخاست

روی رستگاری بیند و گرنه، گردن نهد و آسوده نشیند که (خلافت این چنینی، همچون) آبی بدمزه و نادلپذیر است و لقمه‌ای گلوگیر؛ و آن که میوه نارسیده چیند، همچون کشاورزی است که زمین دیگری را برای کشت برگزیده باشد. اگر بگوییم، می‌گویند حرص خلافت دارد، و اگر خاموش باشم، می‌گویند از مرگ هراسان است، هرگز! من و از مرگ ترسیدن؟!

پس از آن همه ستیزه و جنگیدن به خدا سوگند، پسر ابوطالب از مرگ بی‌پژمان است، بیش از آنچه کودک پستان مادر را خواهان است؛ اما چیزی که من می‌دانم، بر شما پوشیده است، و گوشتان هرگز نشنیده است. اگر بگوییم و بشنوید به لرزه در می‌آید و دیگر به جای نمی‌آید، لرزیدن ریسمان در چاهی که ته آن ناپدید است».^(۳)

اگر امام از مرگ هراسی ندارند که مسلماً ندارند، پس خاموشی امام چه حکمتی می‌توانست داشته باشد، که ارزش این همه صبر را داشته است. با عنایت به بیانات امام در جاهای دیگر، می‌توان گفت که این همان مصلحت حفظ نظام دینی و امنیت و آرامش مردم بوده که ایشان را به سکوت وا داشته است؛ کما این که امام در اشاره به این مطلب می‌فرماید:

«چون او [رسول خدا (ص)] به سوی خدا رفت، مسلمانان پس از وی، درکار حکومت، به هم افتادند و به خدا در دلم نمی‌گذشت و به خاطر نمی‌رسید که عرب، خلافت را پس از پیامبر (ص) از خاندان او برآرد، یا مرا از عهده دار شدن آن پس از او باز دارد... پس دست خود بازکشیدم تا آن که دیدم گروهی در دین خود نماندند و از اسلام روی برگرداندند و مردم را به نابود ساختن دین محمد (ص) خواندند. سپس ترسیدم که اگر اسلام و مسلمانان را یاری نکنم، رخنه‌ای در آن بینم و یا آن را سراسر ویران بینم که مصیبت چنین پیش آمدی بر من، بسی گران‌تر است تا از دست دادن سرپرستی شما که روزهای کوتاهی است که چون سرابی زائل شود، یا چون ابری که فراهم نشده، پراکنده گردد. پس در میان آن آشوب و غوغا به یاری برخاستم تا این که باطل برکنار شد و نابود گردید و دین استوار شد و از آسیب رست».^(۴)

بنابراین، آن چنان که امام تصریح نموده است، ایشان برای حفظ امنیت و آرامش و

حفظ نظام دینی بود که از حق مسلم خود در خلافت دست برداشت و با این که خود تصریح داشت که «سزاوارترین فرد برای خلافت» می باشد؛ ولی سوگند یاد می کرد که «تا هنگامی که امور مسلمین به راه درستی جریان یابد و تا آن گاه که فقط بر [او] ستم رود نه همه مردم، [او] همچنان تسلیم می باشد.»^(۵)

با توجه به ضرورت امنیت و آرامش حوزه سیاسی جامعه است که امام در توصیه مردم در جهت حفظ نظام اجتماعی می فرماید:

«در نیک و بد احوال گذشتگان تفحص کنید و خود را از همانند شدن با آنان بر حذر دارید... آن را عهده دار شوید که گذشتگان را عزیز گرداند و دشمنان را از سرشان راند و زمان بی گزندی شان را به درازا کشاند و با عافیت از نعمت برخوردار شدند ورشته بزرگواری آنان استوار گردید. و آن، به خاطر دوری نمودن از پراکندگی و روی آوردن به سازواری و یکدیگر را بدان برانگیختن و سفارش کردن فراهم آمد. و پرهیزید از هر کاری که پشت آنان را شکست و نیرویشان را گسست، چون: کینه هم در دل داشتن و تخم نفاق در سینه کاشتن و از هم بریدن و دست از یاری یکدیگر کشیدن.»^(۶)

بر اساس این فراز از کلام امام، اگر جامعه ای خواهان این باشد که نیروهای آن از هم نگسلد، باید از پراکندگی دوری گزیده و به سازواری و اتحاد روی آورد که این، یک گام اساسی برای رسیدن به حوزه آرام و امن سیاسی است.

نتیجه این که، امام، داشتن حوزه آرام و امن سیاسی را از ضروری ترین مؤلفه های یک نظام دینی دانسته و خود نیز عملاً آن را مقدم بر هر چیزی - حتی حق مسلم خلافت - داشته است و مردم را در گفتار و عمل سیاسی خود، به برقراری آرامش و امنیت در جامعه و دوری از تفرق و تشتت و هرج و مرج فراخوانده، سبب پیشرفت و کرامت و عزت ملت ها را در ایجاد پیوند و سازواری و اعتماد متقابل میان افراد جامعه دانسته است.

اهمیت اعتماد متقابل حاکمان و مردم در ایجاد امنیت و آرامش در حوزه سیاسی:
برقراری اعتماد متقابل میان افراد جامعه به ویژه حاکمان و مردم، یکی از عوامل مهم

دست یابی به آرامش و امنیت در حوزه سیاسی است. از این رو، امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر، آن را مهم ترین عامل ایجاد آرامش خاطر حاکمان و فراغت بال آنان در رسیدگی به امور مردم و توسعه و ترقی دانسته، می فرماید:

«پس رفتار تو چنان باشد که خوش گمانی رعیت برایت فراهم آید که این، رنج دراز را از تو می برد. و به خوش گمانی تو، آن کس سزاوارتر که از توبه او نیکی رسیده و بدگمانی ات بدان بیشتر باید، که از توبه بدی دیده.»^(۷)

علامه محمد تقی جعفری در شرح این فراز فرمان امام می نویسد:

«وقتی خوش بینی و خوش گمانی از هر دو طرف سلب شد، همه موقعیت های زندگی یا به صورت سنگری در می آید که یکدیگر را از پای در بیاورند و یا به صورت کمینگاهی در می آید که از همان جا هجوم بر طرف مقابل را آغاز کنند. آیا انسان هایی که در مقابل یکدیگر، به یک دست شمشیر و به دست دیگر سپری گرفته اند، می توانند طعم حیات را بچشند.»^(۸)

به تعبیر یکی دیگر از شارحین این فراز از کلام امام (ع):

«اگر ملت ناراضی باشد، بایستی هر روز هر چه نیرو دارد صرف کند، سازمان امنیت درست کند و مأموران امنیتی، افراد را شکنجه بدهند و به ملت فشار بیاورند که یک وقت ملت قیام نکنند، یک وقت کودتا نکنند، یک وقت تظاهرات راه نیاندازند. همه نیرو، پول و همه وقتش باید صرف ساکت کردن ملت شود؛ آن وقت نمی تواند به کارهای عمرانی و به زندگی و کارهای دیگر رسیدگی کند. و این رنج زیادی برای انسان می آورد؛ ولی اگر اعتماد و حسن ظن بین حکومت و مردم برقرار باشد، این تعب و رنج قطع می گردد.»^(۹)

بنابراین، یکی از مؤثرترین راه های برقراری آرامش و امنیت در حوزه سیاست، ایجاد اعتماد میان مردم و حاکمان می باشد.

راه کارهای برقراری اعتماد در میان مردم و حاکمان

با استنباط از کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه، می توان عوامل زیر را در برقراری

اعتماد متقابل میان مردم و حاکمان، مهم و اساسی دانست:

۱- ارائه خدمات رفاهی

امام علی (ع) در فرمان مالک اشتر، یکی از راه‌های کسب اعتماد مردم را ارائه خدمات رفاهی به مردم دانسته و می‌فرماید:

«بدان که هیچ عاملی برای جلب اعتماد رعیت به والی، بهتر از احسان به آنها نیست.»^(۱۰) همچنان که برخی از شارحین نهج البلاغه در شرح کلام امام آورده‌اند: «احسان کردن به ملت، این است که راه برایشان درست کنی، برق و آب برایشان درست کنی، فقرایشان را اداره کنی.»^(۱۱)

و چنان که شیخ نوری حاتم در توضیح این فراز از فرمان امام می‌نویسد:

«و قد حثَّ الامام(ع) الحاكمين في المجتمع الاسلامي على الاحسان للرعية عن طريق قضاء حاجاتهم العامه و تسهيل امور معاشهم و نظامهم. و الحاكم الذي يحسن الى رعيته، سوف يحسن ظن الرعية به و تبادلته الثقة فلا موجب للخوف الدائم من الثورات المضاد. و من المؤامرات العسكريه التي تنهش قلب الحاكم الذي لا يتحامل مع رعيته بالاخص و ثقته وحب»^(۱۲)

امام علی (ع)، حاکمان جوامع اسلامی را به احسان به مردم ترغیب نموده است. این احسان از طریق رفع نیازمندی‌های عمومی مردم و ایجاد آسایش در زندگی آنها حاصل می‌شود. حاکمانی که چنین خدماتی را به مردم ارائه کنند و اعتماد مردم خود را از این طریق جلب نموده باشند، بیمی از انقلاب و شورش مخالفان و کودتای نظامی که قلب حاکمان غیر قابل اعتماد مردم را می‌لرزاند، نخواهند داشت.

۲- تخفیف مشقات زندگی مردم

یکی دیگر از راه‌های ایجاد اعتماد در میان مردم و حاکمان، تخفیف مشقات زندگی مردم است. امام علی (ع) این نکته را با عبارت «و تخفیفه المؤنات علیهم» بیان کرده است. و چنان که استاد شهیدی آورده است، این عبارت، به معنای «سبک کردن بار مردم» می‌باشد. و لذا می‌توان مصداق بارز آن را عدم تحمیل هزینه‌های بی‌مورد و مالیات‌های سنگین، و ناموزون دانستن. برخی از شارحین نیز در توضیح این کلام امام، بر این نکته اشاره کرده و می‌گویند:

«تخفیف المؤمنات، یعنی خرج‌ها را هم برایشان کم کند و خرج‌های زیادی و مالیات‌های زیادی برای آنان باز نکند.»^(۱۳)

امام خود در ادامه این فرمان، نتیجه سبک کردن مؤونات مردم را چنین بیان داشته‌است:

«آنچه بدان بار آنان را سبک می‌گردانی، بر توگران نیاید؛ چه آن اندوخته‌ای بود که به تو بازش دهند، با آبادانی که در شهرهایت کنند و آرایشی که به ولایت‌ها دهند، نیز ستایش آنان را به خودکشانی و شادمانی که عدالت را میانشان گسترانده‌ای حالی که تکیه بر فزونی قوت آنان خواهی داشت، بدانچه نزدشان اندوخته‌ای:

از آسایشی که برایشان اندوخته‌ای و اطمینان و اعتمادشان که با عدالت خود به دست آورده‌ای و مدارایی که کرده‌ای و بسا که در آینده کاری پدید آید که چون آن را به عهده آنان گذاری، با خاطر خوشش بپذیرند. - و خرده‌نگیرند - که چون شهرها آبادان بود، هر چه بر عهده مردم آن نهی برند.»^(۱۴)

۳- عدم اکراه مردم به آنچه بر عهده آنان نیست

امام علی (ع)، یکی دیگر از راه‌های کسب اعتماد مردم را عدم اکراه آنان به کارهایی دانسته‌است که بر عهده آنان نیست. «و ترک استکراهه ایاهم علی ما لیس له قِبَلَهُمْ». علامه محمد تقی جعفری در توضیح کلام امام (ع) می‌نویسد:

«یک حاکم عاقل باید بداند که اکراه و اجبار مردم به بذل مال یا صرف انرژی مغزی و عضلانی که به خود آنان تعلق دارد و یا گذشت از حق مسلم خودشان بدون اختیار، تجاوزی است که نارضایتی، بلکه کینه‌توزی آنان را بر خواهد انگیخت.»^(۱۵)

بر این اساس، یکی از راه‌های کسب اعتماد مردم، آن است که حاکمان بدانند که مردم ملک طلق آنان نیستند و به حقوق آنان احترام بگذارند و بر آنها ستم روا ندارند؛ چرا که

«هیچ چیز چون ستم نهادن، نعمت خدا را دگرگون نسازد و کيفر او رانزدیک نگرداند، که خدا شنوای دعای ستم‌دیدگان است و در کمین ستمکاران.»^(۱۶)

حاکمان باید بدانند که، در عین حالی که حیات آدمی از نیروی مقاومتی شگفت‌انگیز در برابر حوادث برخوردار است، ناتوانی‌هایی هم در برابر سختی‌ها دارد که یک سیاست معقول نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. به عبارت دیگر، حیات آدمی در همان حال که نیرومند است، زود شکن هم می‌باشد. اگر سیاستمدار با تکیه به آن نیرومندی، ناتوانی‌ها و زود شکنی‌های حیات را در برابر مشقات و سختی‌ها مخصوصاً در صورتی که ناشی از تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها باشد، نادیده بگیرد، بهتر است، شغل سیاسی خود را با آهنگری عوض کند؛ زیرا فقط آهن است که نه تنها یک نسیم، بلکه طوفان‌های بسیار نیرومند هم نمی‌تواند آن را کج کند و بشکند.^(۱۷)

از این رو، امام علی (ع) در سفارش به اشعث ابن قیس، عامل آذربایجان می‌فرماید: «کاری که به عهده‌توست نان خورش تو نیست؛ بلکه برگردنت امانتی است. آن که تو را به این کار گمارده، نگهبانی امانت را به عهده‌ات گذارده و تو را ترسد که آن چه خواهی، به رعیت بفرمایی.»^(۱۸)

۴- پرهیز از وعده‌های دروغین به مردم

یکی دیگر از راه‌هایی که به ایجاد اعتماد در میان مردم و حاکمان کمک می‌کند، آن است که حاکمان از دادن وعده‌های دروغین به مردم پرهیز کنند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید:

«پرهیز از این که مردم را وعده‌ای دهی و در وعده، خلاف آری، که خلاف وعده، خشم خدا و مردم را برانگیزاند. و خدای متعال فرموده است: «بزرگ دشمنی است نزد خدا که بگویند و عمل نکنند.»^(۱۹)

از این رو، امام (ع) همواره به حاکمان اسلامی توصیه می‌کند که از بزرگ‌نمایی کارهای خود و دادن وعده‌های دروغین پرهیز نموده و همواره راست‌گویی و صداقت را پیشه خود سازند. «فَلْيَصِدَّقْ رَأْدَاهِلَهُ». «پس پیشوای قوم باید با مردم خود به راستی سخن گویند.»^(۲۰) نتیجه این که، راست‌گویی و صداقت حاکمان با مردم، یکی از بهترین راه‌های کسب اعتماد آنان است.

۵- برطرف کردن سوءظن مردم نسبت به عملکرد حاکمان

امام علی (ع) یکی دیگر از راه‌های کسب اعتماد مردم را توضیح ابهامات به وجود آمده در میان آنها نسبت به عملکرد حاکمان دانسته و می‌فرماید:

«اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، عذر خواهی خود را آشکارا با آنان در میان‌گذار
و با این کار، بدگمانی آنها را رفع کن که بدین رفتار، نفس خود را به فرمان آورده باشی
و با رعیت مدارا کرده و حاجت خویش را بر آورده و رعیت را به راه راست و
داری.» (۲۱)

بر اساس این فرمان امام (ع)، اگر در یک کاری که حاکمان انجام می‌دهند، مردم گمان کردند که حاکم به آنها ظلم کرده است و ناراحت شدند؛ ولی به عقیده حاکم عمل حقی انجام گرفته، در این جا حاکم نباید ناراحتی مردم را ندیده بگیرد؛ بلکه باید مردم را طلب کند و آنها را توجیه کند؛ نه این که فکر کند که حالا که او کار درستی انجام داده، مردم هر چه می‌خواهند بگویند؛ چرا که مردم بالاخره این فکر اشتباه در ذهنشان هست و ممکن است علیه او تظاهرات و یا شورشی راه بیندازند و وضع کشور آشفته شود. بنابراین، اگر کاری که حاکم انجام داده، کاری صحیحی بوده و کارش بر حق بوده است، باید با مردم هم در میان بگذارد و بیلان کارش را به جامعه بدهد. (۲۲)

پیامبر اکرم (ص) نیز در بعضی از موارد که سوءظن پیش می‌آمد، بلافاصله آن را بر طرف می‌کردند. از جمله این که بعد از فتح مکه وقتی که پیغمبر (ص) به جنگ حنین آمدند، غنائم بسیاری به دست آوردند. انصار مدینه و همچنین عده‌ای از اهالی تازه مسلمان شده که از اشراف بودند، مثل ابوسفیان و معاویه نیز در جنگ شرکت داشتند. پیامبر (ص) موقع تقسیم غنائم، یکصد شتر به ابوسفیان و معاویه و بقیه سران قریش دادند؛ ولی به انصار خود چهار شتر دادند و حتی به بعضی‌ها هیچ ندادند. بین انصار زمزمه افتاد و آمدند به پیامبر (ص) گفتند که جریان از این قرار است. حتی سعد این عباد که از بزرگان انصار بود، خدمت پیامبر آمد و همین را عرضه داشت. پیامبر انصار را جمع کردند و سپس فرمودند: شما اصحاب من هستید و اعتماد من به شماست و این کار من از جهت تألیف قلوب بود. آیا شما راضی نیستید که اینها شتر ببرند و شما محمد (ص) را؟ و

آن گاه انصار از شوق گریستند و خشنود شدند و گفتند: یا رسول الله (ص) ما هیچ نمی خواهیم، ما شما را می خواهیم. (۲۳)

بنابراین، پیامبر (ص) نفرمودند که انصار هر چه دلشان می خواهد فکر کنند و من این کار را برای تألیف قلوب انجام داده‌ام؛ بلکه مسأله را برای مردم توضیح داده و آنها را روشن کردند، و این بیان گر آن است که حاکمان باید سؤ ظن مردم را بر طرف کنند تا آنان طالب حق شوند و به فکر توطئه و کینه جویی نباشند.

۶- استقرار عدالت در میان مردم

از آن جا که امام علی (ع)، فلسفه حکومت را اجرای عدالت در میان مردم می دانند، فلذا یکی از بهترین راه‌های کسب اعتماد آنان را نیز استقرار عدالت در میان آنها دانسته و می فرماید:

«به درستی که بهترین چشم روشنی زمامداران، استقامت و استقرار عدالت در شهرها و بروز مودت و محبت مردم جامعه درباره آنان می باشد. که مودت و محبت آنان به زمامدارانشان نمی جوشد مگر این که دل‌های مردم درباره زمامدارانشان سالم و با انبساط و بی عقده باشد» (۲۴)

امام (ع) در جای دیگر می فرماید: «در عدالت گشایشی است و آن که عدالت را بر نتابد، ستم را سخت تر یابد»؛ چرا که «ستم، رعیت را به آوارگی و دارد و بیدادگری، شمشیر را در میان آرد». (۲۵)

و این، همان چیزی است که ما آن را عامل نا امنی و نا آرامی در حوزه سیاست می دانیم. و چنان که امام (ع) می فرماید: «للظالم البادی عذاً بکفّه عَضَّة»؛ «هر آن کسی که دست به ظلم و ستم گشاید، فراد پشت دست خود را خاید». (۲۶)

۷- رعایت حقوق متقابل مردم و حاکمان

یکی دیگر از راه‌های ایجاد اعتماد میان مردم و حاکمان، آن است که مردم و حاکمان حقوق متقابل یکدیگر را رعایت کنند. امام علی (ع) درباره اهمیت رعایت این حقوق می فرماید:

«بزرگ‌ترین حق‌ها که خدایش واجب کرده است، حق والی بر رعیت است

و حق رعیت بر والی، که خدای سبحان آن را واجب کرده و حق هر یک رابه عهده دیگری واگذار فرمود و آن را موجب برقراری پیوند آنان کرد. و آن را موجب ارجمندی دین ایشان قرار داد. پس حال رعیت نیکو نگردد، جز آن گاه که والیان نیکو رفتار باشند و والیان نیکو رفتار نگردند جز آن گاه که رعیت درست کار باشند.»^(۲۷)

پس چون رعیت حق والی را بگذارد و والی حق رعیت رابه جای آرد، حق میان آنان بزرگ مقدار شود و راه‌های دین پدیدار و نشانه‌های عدالت بر جا و سنت چنان که باید اجرا، پس کار اهل زمانه اصلاح گردد.

و طمع در پایداری دولت پیوسته گردد و چشم‌آز دشمنان بسته. و اگر رعیت بر والی چیره و یا والی بر رعیت ستم کند، اختلاف کلمه پدیدار گردد و نشانه‌های جور آشکار و تبهکاری در دین بسیار، راه‌گشاده سنت را رها کنند و کار از روی هوی کنند و احکام فروگذار شود و بیماری جانها بسیار.»^(۲۸)

همان طور که در فرمایشان حضرت آمده، مردم و حاکمان در صورتی که حقوق یکدیگر را رعایت کنند، حق در میان آنها عزیز مقدار و یکدلی و اعتماد در میان آنها پدیدار می‌شود. پس دولت آنها پایدار و امنیت و آرامش در جامعه آنها برقرار می‌گردد. نتیجه این که؛ برقراری اعتماد میان حاکمان و مردم - که برخی از راه کارهای کسب آن از دیدگاه امام علی (ع) آورده شد - یکی از عوامل اصلی ایجاد امنیت و آرامش در حوزه سیاسی است. به عبارتی، مردم یک جامعه، زمانی به آرامش حوزه سیاسی کمک خواهند کرد و در برقراری امنیت، کمک کار حاکمان خواهند بود که اعتماد به آنها داشته باشند. و این اعتماد از طریق عدالت ورزی حاکمان و رعایت حقوق مردم، برطرف کردن ابهامات مردم درباره عملکرد حاکمان، وعده‌های صادقانه، آسان‌گیری بر مردم و تأمین رفاه آنها، قابل حصول می‌باشد.

پی نوشت ها:

- ۱- عبدالرحمن عالم، بنیادی علم سیاست، (نشرنی: تهران، ۱۳۷۳)، ص ۱۲۸.
- ۲- «.. وانه لابد للناس من امیرٍ بَرّ او فاجر یَعْمَلُ فی امرئَه المومنُ و یُسْتَمْتِعُ فیها الکافر... و یُجْمَعُ به الفی و یُقَاتَلُ به العدو و تأمُنُ به السبُلُ و یُوْخَذُ به لِضَعِیفٍ من القوی حتی یَسْتَرِیحَ به بَرٌّ و یُسْتَرَاخُ من فاجرٍ».
- ۳- نهج البلاغه، خطبة ۵، صص ۱۲-۱۳.
- ۴- نامه ۶۲، صص ۳۴۶-۳۴۷.
- ۵- «لقد علمتم انی احق الناس بها من غیرى، واللّه لأسلمن ما سلمت امور المسلمین و لم یکن فیها جور الأعلیٰ خاصة.» خطبه ۷۴.
- ۶- «... فتذکروا فی الخیر و الشراحوالهُم و احذروا ان تكونوا امثالهم ... فالزموا کل امر لزم العزّه به شانهم و زاحت الاعداء له عنهم.
- و مدت العافیة به علیهم و انقادت النعمة له معهم و وصلت الکرامة علیه جلهم من الاجتناب للفرقة و اللزوم للالفة و التحاض علیها و التواصی بها و اجتنوا کل امر کسر فقرتهم و اوهن مُنتهم. من تضاعن القلوب، و تشاحن الصدور و تدابر النفوس و تخاذل الایدی... خطبه ۱۹۲، ص ۲۱۸.
- ۷- نامه ۵۳، ص ۳۲۹.
- ۸- علامه محمد تقی جعفری، حکمت اصول سیاسی اسلام، چاپ دوم، (تهران: بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۳)، صص ۲۲۶-۲۲۷.
- ۹- درس های از نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۹.
- ۱۰- «و اعلم انه لیس شیء بادعی الی حسن ظنّ راع برعیته من احسانه الیه» نامه ۵۳، ص ۳۲۹.
- ۱۱- درس های از نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۹.
- ۱۲- الشیخ النوری حاتم، النظام السیاسی فی عهد الامام علی الممالک الاشر، (بیروت: مؤسسة العالمیه للمرضی، ۱۹۹۴)، ص ۵۰.
- ۱۳- درس های از نهج البلاغه، ج ۲، ص ۸۹.
- ۱۴- «ولا یثقلنّ علیک شی خفقت به المؤمنه عنهم، فانه ذخر یعودون به علیک فی عمارة بلادک و تزیین ولائیک، مع استجلابک حُسن ثنائهم و تَبَجُّجک با ستغاضه العدل فیهم متعمداً افضل قوتهم بما ذخرت عندهم من اجما مک لهم و الثقة منهم بما عوّذتهم من عدلک علیهم و رفقتک بهم فرّما حدث من الامور ما اذا عوّلت فیهم من بعد ااحتملوه طیبة انفسهم

- به فان العمران محتمل ما حملته». نامه ۵۳، صص ۳۳۴-۳۳.
- ۱۵- علامه محمد تقی جعفری، پیشین، ص ۲۲۶.
- ۱۶- نامه ۵۳.
- ۱۷- علامه محمد تقی جعفری، پیشین، ص ۲۲۴.
- ۱۸- «وان عملک لیس لك بطعمة و لكنه فی عنقک أمانة و انت مسترعی لمن فوقک لیس لك ان تفتت فی رعية و لا تخاطر الأبوئیقة...» نامه ۵، ص ۲۷۴.
- ۱۹- و ایاک... أن تعدهم فتنیح مؤعدک بخلفک... الخلف یوجب المقت عندالله و الناس، قال الله تعالی «کبر مقناً عندالله ان تقولوا ما لا تفعلون» نامه ۵۳، ص ۳۴۰.
- ۲۰- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۴، ص ۱۵۲.
- ۲۱- وان ظنت الرعية بک حیفاً فا صحر لهم بعدرک و اعدل عنک ظنونهم باصهارک فان فی ذلك ریاضة منک لنفسک و رفقا برعتیک و اعداراً تبلیغ به حاجتک من تقویمهم علی الحق». نامه ۵۳، ص ۳۳۸.
- ۲۲- درس های از نهج البلاغه، ج ۲، صص ۳۱۰-۳۱۴.
- ۲۳- ر. ک به: طبری محمد ابن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳)، صص ۲۱۶-۲۱۷.
- ۲۴- «وان افضل قرة عين الولاة استقامة العدل فی البلاد و ظهور مودة الرعية و انه لا تظهر مودتهم الا بسلامة صدورهم.» نامه ۵۳، ص ۳۳۱.
- ۲۵- نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۷۶ و ص ۴۴۵.
- ۲۶- همان، کلمات قصار، ۱۸۶، ص ۳۹۳.
- ۲۷- مرحوم آیت الله میرزا حبیب اله هاشمی خویی در توضیح این فراز از کلام امام می نویسد: «ولا تصلح الولاة الا باستقامة الرعية فی الطاعة اذ بمخالفتهم و عصیانهم یؤل جمهم الی التناوب و حیل نظامهم الی التناوب»؛ یعنی حکومت، زمانی اصلاح می گردد که مردم در اطاعت از آن استقامت داشته باشند؛ چرا که با مخالفت مردم و عصیان آنها، اجتماع به هرج و مرج می گراید و نظام اجتماعی از هم می باشد. منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۲۷.
- ۲۸- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، صص ۲۴۸-۲۴۹.